

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: گرامی یاد "احمد شاملو"

فرستنده: احمد پوپل

۱۸ اپریل ۲۰۲۵

مرگ «نازلی»

((نازلی! بهار خنده زد و ارغوان شکفت

در خانه، زیر پنجره گل داد یاس پیر

دست از گمان بدار!

با مرگ نحس پنجه میفکن!

بودن به از نبود شدن، خاصه در بهار...))

نازلی سخن نگفت،

سر افراز

دندان خشم بر جگر خسته بست رفت...

((نازلی! سخن بگو!

مرغ سکوت، جوجه مرگی فجیع را

در آشیان به بیضه نشسته ست!))

نازلی سخن نگفت

چو خورشید

از تیرگی بر آمد و در خون نشست و رفت...

نازلی سخن نگفت

نازلی ستاره بود

یک دم درین ظلام درخشید و جست و رفت...

نازلی سخن نگفت

نازلی بنفشه بود:

گل داد و

مژده داد: ((زمستان شکست!))!

و

رفت...

واریان اوخانیان پس از کودتای ۲۸ مرداد-اسد- ۱۳۳۲ گرفتار شد و همراه مبارزی دیگر (کوچک شوشتری) زیر شکنجه ددمنشانه به قتل رسید و به سبب آنکه بازجویان جای سالمی در بدن او باقی نگذاشته بودند جنازه را برای گم شدن به رودخانه جاجرود انداختند.

واریان يك بار شکنجه جهنمی را تحمل کرد و به چند سال زندان محکوم شد منتها بار دیگر یکی از افراد حزب توده در پرونده خود او را شريك جرم قلمداد کرد و دوباره برای بازجویی به زندان قصر احضارش کرد . واریان در برابر سؤالهای بازجو لجوجانه لب از لب باز نکرد و حتی زیر شکنجه هائی چون کشیدن ناخن و ساعتهای متمادی تحمل دستبند قبانی و شکستن استخوانهای دست و پای خویش حتی ناله ای نکرد

این شعر در وصف واریان بود و مرگ نازلی نام گرفت تا از مرز سانسور بگذرد اما این تغییر نام باعث شد این شعر به تمامی واریانها تعمیم یابد و از صورت حماسه يك مبارزه به خصوص به در آید.